

امام علی(ع):

هرکس نیتش خوب باشد، توفیق یاریش خواهد کرد.

تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۹۲، ج ۱۶۰۵

سخن روز

نگاره

فرهاد آرام راد



بیار ای بارون بیار



آقا و خانم کتابدار؛ شنا در مسیر خلاف دهکده جهانی!

بباید دو کلمه خودمانی تر حرف بزنیم؛ کمی ژرف‌تر به آنچه دارد اتفاق می‌افتد، فکر کنیم.

امروز با پدیده‌ای که کارشناسان انفجار اطلاعات اصطلاح کرده‌اند، مواجهیم. جهانی که در آن زندگی می‌کنیم جهان دنیای اطلاعات است، دنیایی لبریز از هزاران هزار کلمه و تصویر و فیلم؛ دنیایی که همه این هزاران را با ماهواره و تلویزیون و اینترنت به‌هم مربوط و به قول مک لوهان به دهکده جهانی بدل می‌کند؛ دهکده‌ای که راه گریزی از آن نیست.

گریختن مطلوب طبع انانی است که به عافیت می‌اندیشند. نتیجه در باب رویارویی با حقیقت اشیا و رویدادها می‌گوید: «خانه‌هایتان را در دامنه‌های کوه آتشفشان بنا کنید.» پارادوکس عمیقی است؛ نیست؟ مأمین سکنی و آرامش را در دل خطر بنا کردن! بی‌آنکه مضطرب شود و مستحیل در مواد مذاب سرازیر شده از کوه. براستی کدام حصار است که می‌تواند در برابر هجوم سرازیر شده از انبوه اطلاعات، درّی مستحکم



و گسست‌ناپذیری در برابر اندیشه انسان ایجاد کند؟ چگونه می‌توانیم شهروند مطبعی برای این دهکده جهانی که همه‌ای از اطلاعات که از زمین و آسمان بر اندیشه انسان فرود می‌آیند و آن را به هر سو می‌کشد، نباشیم؟ چگونه می‌توانیم مستحیل در جمع‌های نشویم که بر بنیان‌های پوسیده حصارهای اطلاعاتی استوار و مستحکم است؟

نه؛ نمی‌خواهیم کلیشه‌ای حرف بزنیم. اما واقع داستان همین است. تنها کتاب است که دژ مستحکمی در اطراف اندیشه انسان بنا کرده و او را در این سیلاب اطلاعاتی مانا و ماندگار می‌کند. بله؛ مانا و ماندگار! تعجب نکنید که کتاب را اکسیر روح و جان آدمی بنامیم و کتابخوان را قشری «خودجاودانه‌ساز»[۱] بخوانیم. برای آدمی که تن به فرسودگی خاک می‌دهد تنها اندیشه و کردار اوست که باقی می‌ماند و کتاب، این مجموعه منظم و منسجم، آب حیات سیال و روانی است که ساحت اندیشه بشر را از فرسودگی و رکود به سمت پویایی و قوام و تعالی پیش می‌برد. این راز ماندگاری بشر است در عصر بحران زده انفجار اطلاعات.



بخشی از یادداشت این فیلمساز برای «بانو قدس ایران»

تابلویی جدید از امام خمینی(ره) در قاب روح ما

ابراهیم حاتمی کیا: نسل من در پی‌رو تجذبه امام خمینی چنان ذوب شده که هنوز بعد از سه دهه توان خارج شدن از سطره این جذب‌ه را ندارد، اما اکنون به مدد هنرمندانه آقامصطفی رزاق کریمی قادریم گوشه‌ای از سایه‌های این خورشید را به‌ترو عمیق‌تر ببینیم. فیلم مستند «بانو قدس ایران» اثری است اثرگذار که از یاد نمی‌رود. فیلمی که بایک بار دیدن در وجود جاری می‌شود و بارها روح آن را بازخوانی می‌کند. من در مقابل قدرت و حوصله ودستخط آقامصطفی رزاق کریمی سر تعظیم فرود می‌آورم. او هنرمندی کمال‌گراست که در شکار وهدایت لحظه‌ها، تابلویی جدید از امام خمینی(ره) در قاب روحمان زنده می‌کند.



تابلویی جدید از امام خمینی(ره) در قاب روح ما

ایران، موزه آئینون پاریس، موزه کاریکاتور بازل سوئیس، موزه کاریکاتور گابروود ریلغارستان، موزه هیروشیما در ژاپن، موزه ضد جنگ یوگسلاوی، المپیک خنده و سμφونی خطوط به چاپ رسانده و رشو در لهستان و مجموعه شهرداری شهر فرانکفورت آلمان نگهداری می‌شود. نام ویاد این طراح، گرافیسیت و کاریکاتوریست شهیر ایرانی به پاپس بیش از نیم قرن خدمت به جامعه هنری

بی‌مهری زیاد دید ولی از کسی طلبکار نشد

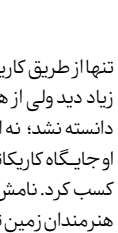
کامبیز درم‌بخش از بزرگان کاریکاتور جهان به حساب می‌آمد که آثارش زینت‌بخش موزه‌ها و مجموعه‌های بزرگ دنیا شد. قدرت قلم، رنگ‌آمیزی جادویی، سوزه‌های ناب و.. جایگاه رفیعی به او بخشید و او را به استادی تمام تبدیل کرد. جویز معتبر بسیاری در این رشته به دست آورد. بزرگداشت‌های بسیاری در کشورهای جهان برای هنرش برپا شد. کتاب‌های بسیاری از آثارش چاپ شد. مقالات زیادی توسط دانشگاه‌ها و مراکز هنری درباره‌اش نوشته شد. او جزو معدود هنرمندان این رشته بود که به‌صورت حرفه‌ای تنها از طریق کاریکاتور ارتزاق می‌کرد و این خیلی دشوار است. بی‌مهری زیاد دید ولی از هیچکس طلبکار نشد. متأسفانه آنگونه که باید قدرش دانسته نشد؛ نه از سوی متولیان هنر و نه از سوی دوستان متمول و دارا. او جایگاه کاریکاتور را در جهان بالا برد و برای هنر ایران اعتبار بسیاری کسب کرد. نامش در تاریخ هنر خواهد درخشید. درگذشتش را به تمام هنرمندان زمین تسلیت می‌گویم.

خلوص، یکرنگی و یگانگی

کامبیز درم‌بخش برای نسل ما سرچشمه انگیزه و امیدواری بود و هنرمندی که پس از مبارزهای سخت بیماری سرطان را از سرگذرانده بود آن‌چنان حیرت‌انگیز کار می‌کرد که برای خیلی از جوان‌ترهایی که نشان کم است اما مدام گلابه و کم‌کاری دارند، درسی بود بزرگ. او با همه سختی‌ها و محدودیت‌ها مثل یک جوان هجده ساله با انرژی کار می‌کرد و اتفاقاً قلیقش روز به‌روز بیشتر می‌شد و هرچه سنش بالاتر می‌رفت گویی قلم و فکرش پویاتر می‌شد. همیشه می‌گفت من هزاران سوزه دارم و می‌دانم عزم کثاف اجرای همه را نمی‌دهد. تا این حد حریص کار کردن بود و تا این حد خلاق. کامبیز درم‌بخش پس از بازگشت به ایران، تولدی دوباره پیدا کرد و این ویژگی‌ها باعث شد نسل جوان و فرزندان ایران او را بیشتر و بهتر بشناسند و دوستش داشته باشند، با او هم‌زیستی کنند و تصویر یک اسطوره را از نزدیک ببیند. ما معمولاً در حکایت‌ها و داستان‌ها زندگی اسطوره‌ها را می‌خوانیم در صورتی که درم‌بخش قهرمان زنده ما بود و از دیدن و هم‌صحبتی‌اش لذت می‌بردیم. او در آثارش به یک خلوص و یگانگی رسید و همین سادگی که در آثارش می‌بینیم نتیجه سال‌ها کار مداومش بود. وقتی هنرمند به ریشه‌ای وجودی و روحی به‌مثابه چشمه‌ای زلال خود دست پیدا می‌کند، این خلوص در فرم و معنای کارش هم نمود پیدا می‌کند و زندگی و آثارش مشحون این خلوص، یکرنگی و یگانگی می‌شود. درم‌بخش بسیار انسان دلسوزی بود و به سبک خودش همیشه از ما جوان‌ها و همکارانش حمایت می‌کرد و حتی در صفحات مجازی همه ما حضور داشت و به‌بهانه مختلف نشان می‌داد کنار ماست و البته این یک ارتباط دوطرفه بود. یاد می‌آید سفری به ترکیه داشت و در بازگشت برای من به‌عنوان سوغات یک مجموعه درخشان از کارتون‌های کارتونیس‌های خارجی آورد و گفت فکر نکنی یادت ن‌بوم. این خصلت‌های بسیار انسانی کامبیز درم‌بخش او را برای ما به چیزی فراتر از است‌کد تبدیل می‌کرد و رفتن او واقعاً فقدان و جایی ست خالی که به‌سادگی پر نخواهد شد.



اردشیر رستمی
طراح و شاعر



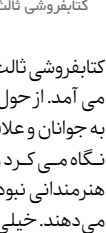
هادی حیدری
نقاش و کارتونیس



جواد رحمتی
کاریکاتوریست



یادداشت
مدیر نشر و کتابفروشی ثالث



یادداشت
کاریکاتوریست



جواد رحمتی
کاریکاتوریست

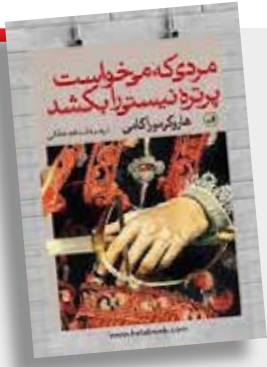
در بین کارتونیس‌ها و کاریکاتوریست‌های شاخص ایران که به شکل حرفه‌ای در مطبوعات مشغول به کار بودند، چهره‌هایی داریم که هم در ایران و هم در خارج از ایران شناخته می‌شوند. کامبیز درم‌بخش یکی از مهم‌ترین آنهاست. درم‌بخش با مطرح‌ترین نشریات دنیا کار کرده و از یک خانواده اصیل و اهل فرهنگ پایه عرصه هنر گذاشته است. او در سنین نوجوانی کارش را به شکل حرفه‌ای شروع کرده‌است. در کنار آقای جعفر تجارتچی و در نشریات معتبر آن زمان مثل توفیق قلم زده است. کارهای درم‌بخش را به کارهای نمایشگاهی و مطبوعاتی می‌توان تقسیم کرد. کارهای اولیه ایشان بیشتر کارهای مطبوعاتی بود و به فراخور نیاز آن زمان بود و بعدها جنبه‌های هنری کارش پررنگ‌تر شد و آرام آرام با مهاجرتش به آلمان ایشان به یکی از چهره‌های بین‌المللی کارتون و کاریکاتور تبدیل شدند. کامبیز درم‌بخش در معتبرترین نشریات دنیا آثارش را چاپ کرده است. و نه تنها آثارش چاپ شده بلکه جلد آن نشریات مزین به کار ایشان بوده است. ایشان هم در فرم و هم در محتوا اشراف کامل داشتند و یک چشمه لایزال بودند. ایده‌های ایشان تمامی نداشت. دفترچه‌ای داشتند که آن‌ها را می‌نوشتند. خاطر هم‌ست که بنده را یک بار به خانه‌شان دعوت کرده بودن؛ آنقدر کار از آثار گذشته‌شان به من نشان دادند که من درجایی احساس کردم مغزم کشش این همه کار خارق‌العاده را ندارد. آنجا فهمیدم که درم‌بخش کارتونیس‌ست مند پس ما چه هستیم؟ حجم تولیدات ایشان قابل ستایش است و شامل کمیت کارهای او نمی‌شود بلکه کیفیت کارهای او هم ستودنی بود. ایشان بعد از مدت‌ها از آلمان به ایران برگشتند و عاشقانه ایران را دوست داشتند و همیشه انرژی برای کارشان گذاشتند همیشه در صدر بودند و این جایگاه را برای خود همیشه حفظ کردند. او یک موقعیت دست یابفتنی داشت و در کنار این‌ها همیشه بزرگوار بود و چنان فروتنانه برخورد می‌کرد انگار که همسطح بقیه هست. در حالی که همه ما بزرگی او را می‌دانستیم. امروز که کامبیز درم‌بخش از بین ما رفت هنر ایران ضربه بزرگی خورد و یکی از ستون‌های مهم خود را از دست داد. او ستودنی بود و او را همه‌ای استاد شجریان در آواز می‌دانم.

عکس نوشت

طبیعت زیبای پاییز با تنوع رنگ‌های بدیع‌اش از جمله سوزه‌هایی است که نه در شعر شاعران و نه روی بوم نقاشان و مقابل دوربین عکاسان به ورطه تکرار نمی‌افتد. ایرنا گزارش تصویری از دره‌های کوهستان الوند در فصل پاییز منتشر کرده است. چشم‌اندازهایی بدیع از سایه روشن نور و درختان، برگ‌های هزار رنگ و... ثبت شده در این تصاویر، ترکیبی وسوسه‌کننده برای سرزدن به طبیعت خلق کرده است.



منطقی بودن یا نبودن هیچ چیز مهم نیست، اینکه آن چیز چه حاصلی به دنبال می‌آورد اهمیت دارد.



مردی که می‌خواست پرتره نیستی را بگشند، هاروکی موراکامی، اسدالله حقانی، نشر ثالث

نیمه آبان یادآور جشن گرامیداشت آب

پاییز زیبا و دل‌فریب به میانه راه رسیده و فرش تماشایی برگ‌های جداشده از درختان همه جا گسترده است. اتحاد برگ با نور، زمین را هم‌رنگ خورشید کرده و باد پاییزی ورق‌های دفتر نقاشی طبیعت را همه سو پرانکند، برگ درختان، آخرین مرحله از عمرشان را سخاوتمندانه با زیبایی و روشنی همراه ساخته‌اند تا وسوسه قدم زدن زیر نور چراغ‌های خیابان درجان‌ها بیدار و طراوت تمام نشدنی هوای پاییزی دریاها تجدید شود. معمولاً این فصل با رگبار و غرش ابرها همراه است، ابرهایی که شادمانی می‌آفرینند و یادآور برکت و فراوانی‌اند. پاییز هزار رنگ، مردمان ایران زمین را از دیر باز مهبای جشن‌های متعدد کرده و به ستایش و نیایش وا می‌داشته است. جشن سده که از اول آبان آغاز شده و تا ۴۰ روز پس از شب پلدا ادامه داشت، شامل جشن‌هایی با فاصله‌های معین است که همانند دانه‌های زنجیر در پیوستگی کامل با یکدیگرند. دربار ایرانیا باستان، آبان، ماه تحلیل از «آناهیتا» بانوی آب‌های روان و نگهبان پاکي و بی‌آلایشی در جهان هستی بوده است؛ اسطوره‌ای که در اوستا، سرود بلند و زیبایی به نام «آبان یشت» با خیالپردازی‌های دلپذیر، ویژه اوست. درنیمه آبان، فصل پاییز به میانه راه می‌رسد. این مناسبت را ایرانیان قدیم همزمان با آغاز فصل سرما و اقتضانات زندگی کشاورزی و دامپروری و بازگشت گله گوسفندان از چراگاه‌های تابستانی به عنوان مقطعی مهم گرمای داشته و جشن می‌گرفتند. نکته ارزشمند این جشن‌ها این بود که همه، اعم از زن و مرد، پیر و جوان، فقیر و غنی، ارباب و رعیت و... به‌طور یکسان در آن شرکت می‌کردند. مردمان یک جا گرد آمده از یک سفره و از یک غذا می‌خوردند که این امر زمینه همبستگی بیشتر اجتماعی می‌بوده است. این همبستگی و یگانگی به منظور تاب‌آوری در برابر بلایای طبیعی، همچون خشکسالی، سیل، زلزله، طوفان و مانند آن بسیار مؤثر بود و مشارکت در آیین این جشن‌ها نوعی فریضه دینی برای همگان محسوب می‌شده و هزینه آن را اعدای داوطلبانه می‌پرداخته‌اند.

در شرایط امروضا با تغییرات اقلیمی و کاهش مداوم بارش در اغلب مناطق کشور، عبارت‌هایی همچون «خشک‌ترین سال آبی درنیم قرن گذشته» برای سال آبی ۱۴۰۰ از زبان مسئولان زیاد شنیده می‌شود؛ گزاره‌هایی که افق‌های دوردست را با نگرانی از تشنگی مزارع و مراتع و مشکل تأمین آب مورد نیاز همراه می‌سازد، اگر چه بارش‌های دیروز و امروز تا حدودی از دامنه این نگرانی‌ها کاسته است اما هنوز میزان نزولات آسمانی در حد مورد نیاز کشور نیست. چند سال متوالی است که بی‌آبی و عواقب آن تشدید شده و آرامش را از دلسوزان و کارشناسان کشور گرفته است. بنابراین باید به رغم بارش‌های پربرکت اخیر در مصرف آب در هر زمینه صرفه‌جویی کنیم. در سالی که در نیمه پاییز آن قرار داریم به پیش‌بینی کارشناسان وضعیت آبی کشور همچنان نگران‌کننده است؛ و در ماه‌های پایانی این فصل آبی، کشور با کمبود منابع آب مواجه خواهد شد، اگر چه از پدیده‌هایی طبیعی همچون «ال نینو» در اقیانوس آرام، فعالیت‌های خورشیدی و میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای به‌عنوان عامل این وضعیت یاد می‌شود، اما نباید از نظر دور داشت که فعالیت‌های انسانی در به‌وجود آمدن چنین شرایطی دخالت داشته و دارد. یکی از این عوامل تغییر کاربری اراضی حاصلخیز کشاورزی و بهره‌برداری بی‌رویه از مخازن زیرزمینی آب است که به تغییر الگوهای بارشی منجر شده است.

براساس مطالعات و بررسی‌های انجام گرفته در ارتباط با تأثیر تغییرات دما بر بارش نزولات آسمانی در کشورما و مقایسه آن با کشورهای همسایه، نتایج قابل توجهی به دست آمده که تحلیل مسائل زیست محیطی را پیچیده تر ساخته است. درنتیجه این مطالعات با وجود افزایش دما در برخی کشورهای همسایه غربی روند بارش افزایشی بوده است، اگر چه این موضوع نیازمند بررسی‌های علمی بیشتر است، لکن سهم دمای هوا در تغییرات جو‌ی را به پرسش می‌گیرد. تغییر کاربری اراضی و بهره‌برداری غیر اصولی از منابع تحت الارضی آب نیز خود موجب افزایش دما، میزان تبخیر و کمبود نزولات آسمانی می‌شود. بر اثر رفتارهای تخریبی عامل انسانی نوع بارش‌ها از حالت برف به باران تغییر یافته و این موضوع ذخایر آب زیرزمینی را با کاهش نگران‌کننده مواجه ساخته است. موضوع دیگری که در زمینه کمبود آب مطرح است، «مدیریت مصرف» است. مدیریت مصرف در مقایسه با «مدیریت عرصه» بسیار کم رنگ‌تر بوده و بحران بی‌آبی را تشدید می‌کند، موضوعی که اگر همچنان مورد غفلت قرار گیرد ما را در آینده با بحران بسیار بزرگی روبه‌رو خواهد ساخت.

ایرانیان باستان آب را پاک و مقدس می‌شمردند. براین اساس با برپایی جشن‌های متعدد از جمله جشن «آغا سرما» که در نیمه پاییز برپا می‌شد، ضمن گرامیداشت آنابهیتا، فرشته آب‌ها و رفتن به کنار جوی‌ها و فئات‌ها و به جاد آور آن آیین‌های مذهبی بر اهمیت و نقش آب در زندگی محیطی تأکید و از نیروهای ماورای طبیعت فراوانی آب و نگهداری از آن را درخواست می‌کردند و همزمان به شادی و شادمانی می‌پرداختند.

